

	وقت آزمون: 70 دقیقه	بسمه تعالی اداره کل آموزش و پرورش استان یزد مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میبد استعدادهای درخشان شهید ذوالفقاری	سوالات درس: فارسی نهم
	ساعت برگزاری: ۸/۱۵ صبح		نام و نام خانوادگی:
	تاریخ امتحان: 1401/10/17		نام پدر:
تعداد صفحه: ۳	تعداد سوال: ۱۴		پایه تحصیلی: نهم کلاس:

نام و نام خانوادگی دبیر و امضا: نمره با عدد: نمره با حروف:

۲/۲۵	<p>الف) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید. (۱)</p> <p>۱) آفرینش همه <u>تنبیه</u> خداوند دل است ۲) بساط تو ساخته است و جوانب وی <u>فراخ</u> گسترانیده ۳) کتاب، نور خورشید بود و ادبیات بهشت <u>موعود</u> ۴) از یک <u>آبشخور</u>، مایه ور و سیراب می شوند.</p> <p>****</p> <p>ب) یک معنی از معانی ذکر شده در مقابل هر واژه نادرست است. آنها را مشخص کنید. (۷۵)</p> <p><u>مسخره</u>: رام، مطیع، تصرف <u>مایه ور</u>: سرشار، ارجمند، سرچشمه <u>بصیرت</u>: زیرکی، روشن بینی، خردمند</p> <p>****</p> <p>ج) در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟ بیابید و درست آن را بنویسید. (۵)</p> <p>۱) تا پاک کردم از دل زنگار حرص و طمع / ذی هر دری که روی نهم در فراز نیست ۲) چو زین بر پشت گلگون بست شیرین / به پویه دست برد از ماه و پروین ۳) به توران غریبیم و بی پشت و یار / میان بزرگان چنین سست و خوار</p>	۱
۱	<p>آرایه های «<u>تشبیه</u>، <u>تضاد</u>، <u>کنایه</u>، <u>استعاره</u>» را در ابیات زیر بیابید. (هر بیت یک آرایه، تکراری هم نباشد)</p> <p>الف) ماهی که قدش به سرو می ماند راست / آینه به دست و روی خود می آراست ب) دریغ است ایران که ویران شود / کنام پلنگان و شیران شود ج) شد نفس آن دو سه همسال او / تنگ تر از حادثه حال او د) به نزد مهان و به نزد کهان / به آزار موری نیرزد جهان</p>	۲
۲	<p>با توجه به متن زیر:</p> <p>«بدان که مردم بی هنر مادام بی سود باشد چون <u>مغیلان</u> که تن دارد و سایه ندارد؛ نه خود را سود کند و نه غیر خود را؛ جهد کن که اگرچه اصیل و گوهری باشی <u>گوهر</u> تن نیز داری که گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود. چنان که گفته اند: بزرگی، خرد و دانش راست نه گوهر را.»</p> <p>الف) فعل «<u>گفته اند</u>» چه زمانی است؟ آن را با حفظ شخص به مضارع مستمر تبدیل کنید. (۵)</p> <p>..... /</p> <p>ب) مقصود از گوهر تن چیست؟ (۵)</p> <p>.....</p> <p>ج) نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. (۵) <u>مغیلان</u>: <u>گوهر</u>:</p> <p>د) معنی و مفهوم جمله پایانی چیست؟ (۵)</p> <p>.....</p>	۳
۱	<p>با توجه به بیت مقابل:</p> <p>به چشم <u>بصیرت</u> به خود در نگر / تو را تا در آینه زنگار نیست</p> <p>الف) از نگاه آرایه «چشم بصیرت» چه اضافه ایست؟ ب) کلمات مشخص شده هر یک استعاره از چیست؟</p>	۴

۱	<p>هریک از عبارتهای زیر معرف کیست؟ یک اثر از وی نام ببرید.</p> <p>(الف) وی از کودکی شعر می سرود؛ از مکتب ادیب نیشابوری بهره مند شد؛ نخستین اشعار سیاسی خود را که علیه حاکمان ستمگر روزگار خود سرود در روزنامه خراسان به چاپ رسانید.</p> <p>..... نام اثر:</p> <p>(ب) از نویسندگان و شاعران قرن ششم که در سمرقند تولد یافت.</p> <p>..... نام اثر:</p>	۵
۱	<p>با توجه به دو بیت زیر:</p> <p>مهتری گر به کام شیر در است / شو خطر کن ز کام شیر بجوی یا بزرگی و عز و نعمت و جاه / یا چو مردانست مرگ رویاروی</p> <p>(الف) کاربرد « دو حرف اضافه برای یک متمم» نشان دهید.</p> <p>(ب) شاعر چه امری را توصیه می کند؟</p>	۶
۲	<p>با توجه به ابیات زیر:</p> <p>«ندانی که ایران نشست من است / جهان سر به سر زیر دست من است؟ همه یک دلانند، یزدان شناس / به نیکی ندارند از بد هراس چو ایران نباشد تن من مباد / در این بوم و بر زنده یک تن مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم»</p> <p>(الف) «نشست» اسم است یا فعل؟ چرا (۵/)</p> <p>.....</p> <p>(ب) «به نیکی ندارند از بد هراس» یعنی چه؟ (۵/)</p> <p>(ج) با ذکر دلیل بنویسید ابیات فوق در چه قالبی سروده شده است؟ (۵/)</p> <p>(د) نقش دستوری واژگان قافیه در بیت سوم بنویسید. (۵)</p>	۷
/۷۵	<p>کلمه «گل» را در یک گروه اسمی با سه وابسته پیشین به کار ببرید. (توجه داشته باشید در یک گروه اسمی)</p>	۸
۱	<p>تشبیه، استعاره و کنایه (با مفهوم آن) را در عبارت زیر نشان دهید.</p> <p>امتحانات بزرگ ترین دیوهای وحشتناک زندگی دانشگاهی من بود. اما من پیوسته پشت این دیوها را به خاک می رساندم.</p>	۹
۲	<p>معنی و مفهوم هر یک از عبارتهای زیر را به نثر ساده بنویسید.</p> <p>هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند به طریقت ایشان متهم گردد.</p> <p>اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی می باش و گرنه راحت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی.</p>	۱۰

۱	مقصود از «اندیشه برتر» در بیت زیر چیست؟ به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد	۱۱
۲	معنی یا مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید. کار من بالا گرفت تا جمله خراسان را به فرمان خویش در آوردم. (.....) چو بفروختی از که خواهی خرید / متاع جوانی به بازار نیست (.....) ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن (.....) پایش از آن پویه درآمد ز دست (.....)	۱۲
۱/۵	با توجه به دو بیت زیر: <u>نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه</u> <u>ستودن نداند کس او را چو هست / میان بندگی را ببایدت بست</u> الف) در بیت نخست شاعر خداوند را چگونه توصیف می کند؟ (۵) ب) «نداند» به چه معنی است؟ مفهوم کنایی مصراع آخر چیست؟ (۵) / ج) مفهوم بیت اول با کدام یک از ابیات زیر ارتباط معنایی ندارد؟ (۵) الف) سعدی از آن جا که فهم اوست سخن گفت / ورنه کمال تو وهم کی رسد آن جا ب) نه فراموشیم از ذکر تو خاموش نشاند / که در اندیشه اوصاف تو حیران بودم ج) ای چشم عقل خیره در اوصاف روی تو / چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی	۱۳
۱/۵	معنی مصراع‌های زیر را بنویسید. نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است در بسته تا به کی در محبس تنی؟ قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است <u>دل و جان تو جمع و معمور باد / ز فکرت پراکندگی دور باد</u>	۱۴
۲۰	<u>جمع یارم</u>	

عرفان، عوض آبادیان
رتبه ۴۷ کنکور انسانی ۱۴۰۰
رسته حقوق دانشگاه شاهد

فارسی - ذوالفقاری - میبد - یزد

۴

۱-

(الف) ۱- هوسیار کردن ۲- ~~سوروش~~ ~~پهن~~ ۳- وعده داده شده ۴- سرچشمه
(ب) تصرف - سرچشمه - خردمند

(ج)

۳؛ خوار شکل صحیح ← خار

۲-

(الف) تشبیه (ب) استعاره (ج) کنایه (د) تضاد

۳-

(الف) ماضی نقلی - دارند می گویند

(ب) ویژگی های ~~شخصی~~ ^{شخصی} انسان که اکتسابی هستند.

(ج) متمم - نهاد

(د) بزرگی انسان به عقل و دانش اوست نه به اصل و نسب او.

۴-

(الف) اضافه تشبیهی (ب) آینه استعاره از دل ~~دل~~ - زنگار استعاره از گرفتاری ها و مشکلات زندگی

۵-

(الف) محمد تقی بهار، سبک شناسی

(ب) نظامی عروضی، چهارمقاله

۱

عرفان عوفی آبادیان
رتبه ۴۷ کنکور انسانی ۱۴۰۰
رسته حقوق دانشگاه شاهد

۶-

الف) به کام شیر در
حرف اضافه حرف اضافه

ب) کسی که می‌خواهد به بزرگی و مقام والارسد، باید خطر کند و ترسی از مرگ نداشته باشد.

۷-

الف) اسم؛ به معنای محل زندگی و حکومت

ب) بانیک نامی از هر بدی و پلیدی هر ~~سین~~ ~~سین~~ و ترسی ندارند.

ج) قالب مثنوی؛ زیرا هر بیت به صورت مستقل دارای یک جفت قافیه است.

د) من ← مضاف الیه تن ← هسته گروه اسمی ((یک تن)) با نقش نهاد

۸-

حقدر این سه گل زیبا هستند.
تعجبی اشاره شمارشی

۹-

تشبیه ← امتحانات بزرگترین دیوهای وحشتناک دانشگاهی من بود.

امتحانات را به دیوهای وحشتناک تشبیه کرده است.

استعاره ← دیوها در جمله دوم استعاره از امتحانات است

کنایه ← رست کسی ~~را~~ را به خاک رساندن

به معنی شکست دادن کسی می‌باشد.

۲

۱۰- هر کسی که با افراد بد و ناسایست هم‌نشینی کند؛ اگر آن افراد بروی اثرهم نگذارند، در نظر دیگران وی هم‌مسیر با این افراد شناخته می‌شود.

۱۱- اگر می‌خواهی در حد و اندازه مورچه باشی، باش. و اگر نمی‌خواهی مثل مورچه باشی به تو اجازه داده‌اند که در باغ شناخت خداوند بلند مرتبه تماشا کنی.

۱۲- اندیشه و فکر انسان توان بیستر از این ندارد

سیتی

جزوه
- زیر سلطه خود کردم.
- کالای جوانی در بازار وجود ندارد.
- ناامید نشو

۱۳- الف) فکر انسان نمی‌تواند خداوند را درک کند زیرا که خداوند از ~~جایگاه~~ و مقام دنیوی فارغ است.

ب) نمی‌تواند - کنایه: کمر به بندگی بایر بست. کمر بستن کنایه از قوی دل‌شده در کارها و به جد ~~برای~~ برای کاری تلاش کردن.

ج) ج

س

۱۴-

- و پروردگارا نعمت‌های تو قابل شمارش نیست.

- تا چه وقت اسیر جسم خاکی خود هستی؟

- قومی که اخلاق نداشتند با سر، لایق مردن و محکوم به نابودی است.
(انسانی)

جزوه سیپی